



چهاردهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در کوبا برگزار شد

چهاردهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان با شرکت بیش از ۱۰/۰۰۰ جوان از ۱۳۷ کشور جهان، روز دو شنبه ۶ مرداد ماه با کنسرت بزرگی به یاد رفیق چه گوارا در هاوانا افتتاح گردید. در میان شرکت کنندگان از جمله ۷۰۰ جوان آمریکایی بودند که علی رغم ممنوعیتی که دولت آمریکا برای شرکت آنان در فستیوال ایجاد کرده بود، همراه با جوانان سایر کشورهای جهان از جمله ایران در این فستیوال دوستی،

ادامه در ص ۸

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۲، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۲۱ مرداد ۱۳۷۶

گیاه معجزه

آنگه که ترس و ننگ کشد پرده ای سیاه
بر جلوه های سمی و تلاش ستم کشان،
دل های پاک را نبود هیچ شک که عشق
باز آید و کرامت خود می دهد نشان.

این آن گیاه معجزه باشد که هر دشمن
پیراستند، شاخ کشتن داد، برگ داد
طوفان برف برتن آن هشت قشر مرگ
لیکن گمان مبر که روان را به مرگ داد.

ایام تیره است و ستم اشتم کنان
طبل ظفر بکوبد و فریاد می کند
شمشیر زهرگین بلا را ز فرط غیظ
در قلب خسته ز بیداد می کند.

لیکن زمان که در کف معجز نمون خویش
دارد قوای خلقت و اسباب انهدام،
طبق شرایطی که بود ذاتی حیات
برهم زند ز بیخ و بن این بد شگون نظام

در پیچ جاده ایم و پس پیچ منظرست
کاندر درون سینه بود آرزوی آن
از پا میفت و با همه جان و دل بکوش
خواهی اگر طراوت روی نکوی آن.

احسان طبری

روابط خارجی جمهوری اسلامی ادعاها و واقعیت ها

با اوج گیری بحران در روابط کشورهای عضو اتحادیه اروپا با رژیم «ولایت فقیه»، در پی رای دادگاه برلین در رسیدگی به پرونده میکونوس، سران و مسؤولین جمهوری اسلامی در یک سلسله مانورهای هدفمند و حساب شده، دست به تبلیغات پرسروصدایی پیرامون «اقتدار» ایران در رابطه با غرب زدند. هدف از چنین تبلیغاتی، نشان دادن به اصطلاح استقلال جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی بود. در این نوع موضگیری ها که صرفا برای افکار عمومی داخل کشور و فریب مردم میهن ما تدارک و اجرا گردید، آنچه برجسته و بزرگ نشان داده می شد، عدم وابستگی و نیاز رژیم «ولایت فقیه» در زمینه اقتصادی به اتحادیه اروپا و بطور کلی جهان سرمایه داری و نیز «قاطمیت» و «استقلال رای» رژیم در انتخاب شرکای تجاری و پیوندهای سیاسی اقتصادی با جهان بود. از جمله، ولایتی وزیر امور خارجه رژیم، در مصاحبه ای که پس از خاتمه جلسه غیر علنی مجلس شورای اسلامی انجام داد، تاکید کرد: «ایران روابط خود را به کشورهای خاصی محدود نمی کند».

علی اکبرناطق نوری نیز طی سفری به روسیه در یک مصاحبه مطبوعاتی در مسکو با توسل به ادعاهایی واهی و پوچ اعلام داشت: «...ایران کشوری قدرتمند است و کشورهایی که سفرای خود را فرا خوانده اند، قبل از حکم دادگاه به این تصمیم رسیده بودند... امروز قطع رابطه کشورها با ایران مشکل آفرین نیست...» وی سپس یادآور

ادامه در ص ۶

ص ۲ می خواهند مجلس را به توپ ببندند
ص ۳ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ننگ تاریخ
ص ۳ مبارزه شجاعانه زندانیان سیاسی
ص ۴ منافع طبقه کارگر و رژیم «ولایت فقیه»

ضرورت ادامه و تشدید مبارزه در راه آزادی و رعایت حقوق بشر در ایران

از اعتصاب غذای شجاعانه و دردناک زندانیان سیاسی در زندان های اهواز، اصفهان، شیراز، تهران و تبریز بیش از یک ماه می گذرد و جان بسیاری از مبارزان راه آزادی با خطر جدی روبرو است. یورش وحشیانه به زندانیان اعتصابی و تشدید فشار و شکنجه علیه آنان توسط گزندگان رژیم «ولایت فقیه» در زندان باردیگر موضوع حقوق بشر و چگونگی زیر پا گذاردن آن را در میهن ما در معرض قضاوت افکار عمومی جهان قرار داد. فشار های تحمل ناپذیر بر زندانیان سیاسی، دستگیری، شکنجه و شوهای شمشیر کننده تلویزیونی و مطبوعاتی از نوعی که اخیراً به فرج سرکوهی، روزنامه نگار و مدیر مسؤول نشریه آدینه تحمیل کردند و ادامه پیگرد و سرکوب دگرانديشان در ایران در شرایطی که بیش از ۲۰ میلیون از مردم کشور در انتخابات خواست خود را برای «تحقق جامعه مدنی و قانون» به روشنی و با صراحت اعلام کردند، سووال های جدی را پیرامون امکان تحقق چنین شمارهایی برمی انگیزد.

در کشوری که اساس حکومتی آن را استبداد مطلقه یک فرد - «ولی فقیه»

ادامه در ص ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری و تحلیف سید محمد خاتمی

۱۲ مرداد ماه ۱۳۷۶ مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی از طرف خانه ای و با حضور رفسنجانی، دیگر سران و گردانندگان جمهوری اسلامی و میهمانان خارجی برگزار شد. سفرای کشورهای اروپایی به خاطر تصمیم قبلا اعلام شده از طرف خانه ای در این مراسم شرکت نداشتند. حکم تنفیذ را هاشمی رفسنجانی قرائت کرد. این امر خود می تواند اعلام رسمی موقیمت دوم رفسنجانی در سلسله مراتب قدرت نظام جمهوری اسلامی باشد.

رئیس جمهور منتخب، محمد خاتمی طی سخنانی که در مراسم تنفیذ حکم بیان داشت، ضمن بر شمردن وظایف سنگینی که به عهده او گذاشته می شود و یادآوری مواعید اعلام شده توسط وی در مبارزات انتخاباتی اظهار داشت که نیاز به همکاری و همفکری وسیعی دارد و اضافه کرد که این کار بزرگ از عهده یک فرد و حتی یک دولت به تنهایی ساخته نیست و «نیازمند به همکاری قوای محترم سه گانه برپایه احکام مقدس اسلام و در چارچوب قانون اساسی و تحت ضمانت و نظارت مقام والای ولایت هستم، نیازمند راهنمایی و ارشاد مراجع عظام و علمای اعلام هستیم... و نیازمند همه این مردم بزرگواریم...».

۱۳ مرداد، خاتمی با حضور در جلسه ویژه مجلس شورای اسلامی در مراسم ادای سوگند شرکت کرد. و طی سخنانی بر وعده های دوران مبارزات انتخاباتی خود تاکید نمود. به این ترتیب دوره ریاست جمهوری وی در محیطی پراز تضاد و در جوی آکنده از رقابت ها و ستیزهای آشتی ناپذیر آغاز گردید.

محمد خاتمی تاکنون کابینه خود را معرفی نکرده است که خود نشان کشمکش های سخت آشکار و نهانی است که برای دستیابی به پست های کلیدی کابینه بین جناح های حکومتی در گرفته است. جناح راست سنتی اهرم های فشار سیاسی خود را برای تصاحب شماری از وزارتخانه های کلیدی به کار گرفته است.

رئیس جمهور جدید، خاتمی در انتخاب اعضا، کابینه خود با محدودیت های جدی روبرو

است. فعلا وزیران کابینه سابق تا تعیین وزرای جدید به کار در وزارتخانه های خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور منتخب تاکنون فقط حسن حبیبی معاون اول هاشمی رفسنجانی را به مقام معاونت اول خود انتخاب کرده است.

اولین آثار تشنج روابط بین جناح راست سنتی و طرفداران رئیس جمهور جدید مورد بحث مطبوعات و محافل سیاسی و اجتماعی ایران است. دستگیری و اتهام فساد و رشوه خواری به همکاران غلامرضا کرباسچی، شهردار تهران از جمله این سناریوها شمرده می شود.

دهی خواهند مجلس را به توپ ببندند

با تشدید برخوردها میان جناح های جمهوری اسلامی روزنامه رسالت، ارگان جناح «راست سنتی» و ارتجاعی ترین جناح رژیم «ولایت فقیه» در یادداشت روز خود زیر عنوان «سختی با منتخبین مردم» (چهارشنبه مرداد ماه) از جمله نوشت: «... تا چند روز دیگر شاهد یکی از امتحان های بزرگ دوران نمایندگی دوره پنجم مجلس شورای اسلامی خواهیم بود. رأی اعتماد به وزرای کابینه جناب آقای خاتمی نقطه عطفی در فعالیت های مجلس در این دوره می باشد... این روزها عده ای در صددند تا نمایندگان را از وظیفه اصلی خود دور کنند و با جو سازی ها و القانات آگاهانه و گاهی ناآگاهانه رأی منتخبین ملت را تحت تاثیر قرار دهند. عده ای از رأی بیست میلیونی آقای خاتمی تفسیر جناحی کرده، وظیفه نمایندگی را رأی بدون چون و چرا به کابینه می دانند. عده ای به دنبال القای شبهه جدایی خطوط اصلی برنامه ها و اهداف رئیس جمهور منتخب و نمایندگان ملت هستند تا شاید ماهی از آب گل آلوده برای خود بگیرند و عده ای درصددند با شکاف انداختن بین مجلس و دولت مردم را به دو راهی انتخاب یکی از این دو بکشانند و خواب به توپ بستن مجلس را می بینند...».

دبازگشت به نقطه صفر چرا؟

روزنامه جمهوری اسلامی نیز در تفسیر مفصلی زیر عنوان «بازگشت به نقطه صفر» از انتخاب احتمالی کمال خرازی به عنوان وزیر امور خارجه به جای «ولایتی» ابراز عدم خرسندی کرد و از جمله نوشت: «احتمال پیدایش تحول در وزارت خارجه با روی کار آمدن دولت جدید مایه امیدواری صاحب نظران و ناظران سیاست خارجی شده بود، متأسفانه در روزهای اخیر با توجه به اطلاعاتی که در دست می باشد، این امیدواری جای خود را به یأس داده است... شواهدی در دست می باشد که اگر در وزارت امور خارجه جابجایی صورت گیرد فرد جایگزین کسی خواهد بود که نه تنها انتظار بیش از آنچه تاکنون صورت گرفته از او نمی توان داشت، بلکه با توجه به عملکرد چند ساله در پستی که یکی از مهمترین مصادر سیاست خارجی داشته و با عنایت به سوابق

فکری او، وزارت خارجه عقب گرد خواهد داشت. این نگرانی اکنون نیروهای مستقل وزارت خارجه را نیز در بر گرفته است زیرا آنها این اقدام را نوعی بازگشت به نقطه صفر می دانند و می پرسند چرا چنین بازگشتی...»

دستگیری ها در شهرداری تهران و اعتراض به رئیس قوه قضائیه

در پی دستگیری چند تن از مسؤولان و مدیران بالای شهرداری تهران، بیش از یکصد تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه ای برای محمد یزدی، ضمن اعلام حمایت خود از اقدامات شهردار تهران نسبت به برخوردهای اخیر با مدیران این سازمان ابراز تاسف کردند.

در این نامه از جمله آمده است: «بر خورد توام با بی انصافی و عدم رعایت حریم ها و بی توجهی به موازین و اصول اخلاقی و قانونی و نیز همراه با جنجال برانگیزی های تبلیغاتی، این شائبه را در اذهان پدید آورده است که مبدا انگیزه سیاسی، سوؤلیت اصلی متصدیان امر قضا در تهران بزرگ را تحت الشعاع خود قرار داده باشد...»

سلامتی - ما سیاست تعدیل را قبول داریم

محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مصاحبه ای از جمله گفت که وی معتقد است که ۲۲ وزیر کابینه رئیس جمهوری برگزیده، بدون مواجه شدن با مشکلی از مجلس شورای اسلامی رای اعتماد خواهند گرفت. وی همچنین در مورد روند توسعه کشور و آیا این روند باید به شکل کنونی ادامه یابد از جمله گفت: «برنامه توسعه کشور برپایه سیاست تعدیل به تصویب مجلس چهارم رسیده است. هرچند که در عمل سیاست اقتصاد کنترلی یا مختلط اعمال شده و نتایج مثبتی نیز داشته است... ما این سیاست را قبول داریم و ظاهراً نیز ادامه خواهد یافت...»

کمبود پول و طرح های عمرانی کشور

بر اساس گزارش روزنامه همشهری (چهارشنبه ۲۵ تیرماه) پارسال ۱۵۷۵ طرح عمرانی ملی با صرف ۱۶ هزار و ۷۲۵ میلیارد ریال از محل درآمد عمومی کشور و همچنین صرف ۷۹۸۱ میلیارد ریال از سایر منابع درآمدی در دستگاه های کشور در دست اجرا بوده است... پیش بینی می شود برای به بهره برداری رساندن آنها به مبلغ ۱۴۱ هزار میلیارد ریال نیاز باشد که تا پایان سال ۱۳۷۵، تنها حدود ۴۲/۹ درصد از این مبلغ تأمین شده است.

بر اساس همین گزارش دلایل عمده تأخیر در طرح های اجرایی کشور، ۲۶/۷ درصد به علت نارسایی اعتبارات، ۱۳/۴ درصد مربوط به ضمهایی از دستگاه های اجرایی و ۱۰/۲ درصد به علت ناتوانی تمدادی از پیمانکاران بوده است.

ادامه مبارزه شجاعانه زندانیان سیاسی و همبستگی بین المللی

بر اساس گزارش های رسیده مبارزه شجاعانه زندانیان سیاسی علیه دژخیمان رژیم «ولایت فقیه» همچنان ادامه دارد. رژیم زندانیان اعتصابی را که به شدت ضعیف شده اند زیر فشارهای غیر انسانی از جمله شلاق کابل و سلول های انفرادی برده است تا مقاومت دلیرانه زندانیان را درهم بکوبد.

در جهان موج همبستگی با زندانیان همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارش انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس، بیش از ۳۰۰ نفر از ایرانیان مقیم پاریس در صحن حقوق بشر تروکادرو در پاریس گرد آمدند تا همبستگی خود را با این مبارزه اعلام کنند کمیته دفاع از آزادی ها و حقوق بشر در فرانسه و جهان به ریاست ژرژ مارشه با ارسال نامه ای به سفیر ایران ضمن ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی از او خواست «احساسات جریحه دار ما را به بالا ترین مسوولین کشور خود» اطلاع دهید. همچنین ژورژ ساژ، نایب رییس کمیسیون امور خارجه مجلس ملی فرانسه از وزیر امور خارجه این کشور خواست تا موضوع را با دولت ایران در میان بگذارد.

✽ - لندن - روز پنجشنبه ۳۱ ژوئیه، اعتصاب غذای سه روزه ای از سوی نیروهای مترقی و آزادی خواه ایرانی در جلوی وزارت امور خارجه این کشور، در همبستگی با مبارزه زندانیان سیاسی سازمان دهی شد.

✽ - کلن بنا به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران - کلن روز ۱۸ مرداد ۱۳۷۶ جمعی از ایرانیان آزادیخواه و معترض به رفتار دژخیمان رژیم نسبت به زندانیان سیاسی ایران، دست به تظاهرات زدند.

طبق آخرین اخبار واصله تعدادی از زندانیان سیاسی از جمع زندانیان دیگر جدا و به نقاط نامعلومی فرستاده شده اند که از سرنوشت آنها خبری نیست. از ناپدید شدن گان زندان شیراز از جمله می توان از مینا نمازی و رضا امیری، فدایی اقلیت، ناهید آذری، سازمان کارگران انقلابی ایران و معصومه بهتاش، اتحادیه کمونیست ها نام برد.

ادامه منافع طبقه کارگر ...

یابی به این خواست های عادلانه و اصولی در سال جاری قطعا دامنه و گسترش بیشتری خواهد یافت. کارگران ایران به تجربه دریافته اند، فقط با مبارزه آگاهانه و متشکل قادر خواهند بود به خواست های خود رسیده و منافع طبقاتی خویش را تامین کنند.

جنبش کارگری میهن ما برای دست یابی به حقوق مسلم و بدهی خود بیش از پیش به رویارویی جدی و تمیین کننده با رژیم واپسگرای «ولایت فقیه» کشیده می شود و به همین دلیل در موضع مبارزه قاطع با آن قرار دارد. مبارزه ای که وی ستون و هسته اصلی مبارزه دموکراتیک سراسری مردم میهن ما برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را تشکیل می دهد.

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگ تاریخ

۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سازمان سیا و دستگاه جاسوسی دولت بریتانیا، به دست عمال خود در ایران، حکومت ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون کردند تا ایران را از «خطر کمونیسم» نجات دهند و در واقع شرایطی را فراهم آورند که بتوان منافع ملی کشوری را به راحتی به غارت برد و حقوق ملتی را پایمال منافع انحصارهای امپریالیستی کرد. امروز با گذشت بیش از چهاردهه از این توطئه ننگین، کمتر گوشه ای از این کودتا تاریک و ناشناخته باقی مانده است. با علنی شدن اسناد رسمی دولت های بریتانیا و آمریکا، امروز دیگر روشن است که رژیم پهلوی و افرادی مانند زاهدی چه خیانتی را علیه منافع ملی میهن ما سازمان دهی کردند و چگونه اثرات این توطئه شوم هنوز پس از گذشت بیش از چهل و چهار سال سایه خود را بر رویدادهای میهن ما افکنده است.

نکته جالب امروز آن است که گروهی از همین مزدوران و خائنین پس از روشن شدن همه این اسناد و حقایق هنوز در تلاش هستند تا از این واقعه ننگین به عنوان «نجات ایران» و یک «روز تاریخی» یاد کنند که موجب «رهایی ایران» شد. استقرار حکومت استبداد پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، قتل عام آزادی خواهان و در صف نخست آنان افسران دلاور توده ای نشانگر ماهیت عمیقاً ارتجاعی، ضد ملی و ضد مردمی حکومتی است که کودتای ۲۸ مرداد را برای میهن ما به ارمغان آورد و ایران را از گام نهاندن در راه دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی محروم کرد.

از جمله اسناد جالب و تکان دهنده ای که در سال های پس از کودتا منتشر شده است، نامه محرمانه نلسون راکفلر میلیاردر آمریکایی به آیزنهاور در مورد استراتژی کمک های اقتصادی به منظور نفوذ در کشورها و چگونگی روابط امپریالیسم آمریکا با رژیم شاه است که در آن می خوانیم: «طبق استنباط من مشخص ترین مثال عملی در این مورد تجربه ایران است که اگر بیادتان باشد من مستقیماً در آن دخالت داشتم. از طریق کمک اقتصادی ما موفق شدیم به نفت ایران دست بیابیم و حالا پایگاه خود را در زندگی اقتصادی این کشور ساخته ایم و بر اثر تقویت موقعیت اقتصادی برای ما ممکن شده است که همه سیاست خارجی این کشور را به دست بگیریم و مخصوصاً توفیق آن را بیابیم که ایران را وارد پیمان بن داد کنیم ... در حال حاضر شاه حتی جرئت آن را ندارد که بدون نظر سفیر ما تغییری در اعضای کابینه خود بدهد...»

امروز دیگر کمتر تاریخ نویس عادل را می توان یافت که انکار کند هدف اساسی کودتا نابودی حزب توده ایران به مثابه عمده ترین خطر برای منافع امپریالیست ها در کشور ما بود. دالس وزیر امور خارجه آمریکا در نطق مهمی که در اوت ۱۹۵۳ ایراد کرد در این زمینه به روشنی اعتراف کرد: «تشدید فعالیت حزب غیر قانونی توده ایران و اغماضی که نسبت به فعالیت حزب مزبور روا می گردد باعث نگرانی آمریکا است...» و آیزنهاور، رییس جمهور وقت آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی در ۱۴ اوت ۱۹۵۳ از جمله گفت: «لازم است دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیایی منجمه ایران اقدامات لازم را به عمل آورد...»

نکته آخر اینکه در تمامی سال های پس از کودتا، کودتا چپان تمامی یورش تبلیغاتی خود را متوجه حزب توده ایران کردند تا بدین ترتیب خود از زیر بار این فاجعه تحمیلی به میهن ما خلاص شوند و حزب ما را مسوول شکست جنبش ملی ایران اعلام کنند. این تهمت های زشت و ناروا در شرایطی از سوی دشمن آگاه و دوستان ناآگاه تکرار گردیده و در کمال تعجب هنوز تکرار می شود. واقعیت این است که تنها توده ای ها بودند که در شرایط تسلیم نیروهای ملی به کودتا، پرچم مقاومت و مخالفت با کودتای ننگین ۲۸ مرداد را به دوش کشیدند و با خون خود راه مبارزه علیه آن را هموار ساختند. اتفاقی نیست که بخش بزرگی از افسران و مبارزان راه آزادی حزب ما سر از شکنجه گاه و میادین اعدام در آوردند و بخش بزرگی از رهبری نیروهای ملی سر از سفارت آمریکا و سازش با دربار.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، لکه ننگین سیاهی است بر دامن امپریالیست ها و عمال داخلی آنها که این فاجعه را به میهن ما تحمیل کردند. اگر درسی می توان از این فاجعه گرفت این است انشقاق و چند دستگی در میان صف نیروهای خلق، همیشه و همواره فاجعه ای است که تنها سود برنده آن دشمنان میهن، دشمنان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی اند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

منافع طبقه کارگر و عملکرد رژیم «ولایت فقیه»

سخنی در باره افزایش سطح دستمزدها و ضریب مالیات بر حقوق کارگران در سال جاری

در همین جلسه، طرح پیشنهادی وزیر اقتصاد در واقع مجموعه رژیم «ولایت فقیه» به شورای عالی کار عبارت بود از: «با تقویت نظام بن کارگری در کشور می توان در کنار افزایش درصدی از تورم بر مزد فعلی، ضمن حفظ قدرت خرید کارگران از اثرات منفی افزایش بی رویه مزد جلوگیری کرد...». رفسنجانی نیز قبل از این در پاسخ به پرسشی پیرامون چگونگی راه حل دولت برای هماهنگی میان رشد تورم و حقوق کارمندان و کارگران گفته بود: «اسمال حدود ۲۲ درصد تورم در جامه وجود دارد و حقوق کارمندان و کارگران بیش از این رشد تورم افزایش یافته است...!!!»

درست همین نظرات، سرانجام بطور رسمی در اواخر اسفند ماه از سوی شورای عالی کار بمنوان مبنای تعیین ۲۲/۸ درصد افزایش میزان حداقل دستمزد ماهیانه کارگران به تصویب رسید و اعلام شد.

برخلاف سخنان وزیر اقتصاد و برخلاف ادعای رفسنجانی، نرخ واقعی تورم در سال گذشته نه تنها به میزان ۲۰ تا ۲۲ درصد نبود، بلکه سیاست های اعلام شده از سوی دولت نیز نتوانست سیر صعودی تورم را در سال گذشته مهار کند. حتی آمار دولتی خلاف ادعای رفسنجانی و وزیر اقتصاد دولت اوست. آخرین رقم ارائه شده از سوی مرکز آمار که تازه آن هم حقیقی نیست، نرخ ۳۰ درصدی رشد تورم را نشان می دهد. مرتضی محمدخان وزیر اقتصاد، که سرانجام، شورای عالی کار نظر ارایه شده از سوی او را به تصویب رساند، در سخنان خود اولاً غیر مستقیم اعتراف می کند که سیاست های دولت نتوانسته تورم را مهار کند و سیر صعودی تورم در سال کنونی نیز ادامه خواهد داشت، به همین دلیل با فریبکاری پیشنهاد «تقویت نظام بن کارگری» در کنار افزایش درصدی از تورم را می دهد، زیرا اگر تورم مهار می شد و سیاست های دولت موفق می بود، دلیلی بر تقویت بن کارگری در کنار افزایش درصدی از تورم نبود! ثانیاً با اعلام این که «رسیدن به دستمزد واقعی در کوتاه مدت امکان پذیر نیست...» به صراحت اعتراف می کند که افزایش حداقل دستمزدها با مبنای ۲۲/۸ درصد، منطبق بر نرخ واقعی تورم نیست و آنچه شورای عالی کار بمنوان پدیده برای محاسبه افزایش حداقل دستمزدها قرار داده و تصویب نموده غیر واقعی و ضد کارگری است و ربطی به منافع زحمتکشان ندارد. چنین سخنانی اصولاً اعتراف آشکار به این واقعیت است که تعیین حداقل دستمزد کارگران متناسب با رشد واقعی تورم از عهده رژیم «ولایت فقیه» خارج است و این رژیم از آنجائیکه مدافع سرمایه داران و کارفرمایان می باشد، این خواست مبرم، عادلانه و بدیهی کارگران را نادیده می گیرد و به عمد برپایه تأمین منافع طبقات بهره کش آن را پایمال می کند.

نکته پراهمیت دیگری که باید به آن اشاره کرد و در مساله خطیر سطح دستمزدها مورد توجه قرار داد این امر است که براساس برنامه های توسعه مصوبه مجلس و دولت رژیم «ولایت فقیه» اصولاً افزایش واقعی دستمزد کارگران نمی تواند بطور واقعی محاسبه و تعیین گردد. زیرا به اصطلاح برنامه های توسعه، چیزی جز نسخه های دیکته شده صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیستند و در سیاست به اصطلاح تبدیل اقتصادی، نیروی کار از هیچ حقی برخوردار نیست و در هیچ قسمت از این برنامه ها، افزایش دستمزدها متناسب با نرخ تورم در نظر گرفته نشده و نمی شود.

با توجه به آنچه اشاره رفت و با در نظر گرفتن افزایش قیمت ها در فروردین و اردیبهشت ماه سال جاری از هم اکنون روشن است که کارگران و زحمتکشان میهن ما سال دشوار و پررنج و دردی را خواهند گذراند. علاوه بر مساله میزان افزایش دستمزدها، مساله بن کارگری و تبلیغات رژیم در این باره نکته ای است که به سادگی نمی توان از آن گذشت. ابتدا باید بطور جدی تاکید کرد، سیستم بن کارگری به عنوان کمک جنسی به زحمتکشان تحت هیچ عنوان نمی تواند جانشین میزان افزایش واقعی دستمزدها باشد.

شورای عالی کار جمهوری اسلامی، در اواخر اسفند ماه سال گذشته، سرانجام پس از مدتها بحث و ارزیابی حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۷۶ خورشیدی را اعلام کرد. مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی از قول معاون وزیر کار و امور اجتماعی گزارش دادند که: «بنا به تصمیم شورای عالی کار حداقل دستمزد ماهیانه کارگران در سال جدید حدود ۲۲/۸ درصد افزایش یافت. حداقل دستمزد روزانه کارگران مشمول قانون کار از ۶۹۰۷ ریال در سال ۱۳۷۵ به ۸۴۸۲ ریال در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است».

معاون وزیر کار همچنین تاکید کرد: «رقم مربوط به افزایش سنوات کارگران به شرط یکسال کماکان مبلغ ۱۲۵ ریال مصوبه سال قبل می باشد، که در این امر تغییری داده نشده است».

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «در مصوبه مزد برای سال ۱۳۷۶ توافق های لازم بین کارگران (!!!) و کارفرمایان برای افزایش تولید و پاداش بهره وری قابل قبول تلقی شده و همانند سال گذشته این موافقتنامه بمد از تایید وزارت کار و امور اجتماعی قابل اجرا خواهد بود و همچنین تغییر ضریب جدول دستمزد طرح های طبقه بندی مشاغل با توجه به شرایط سال گذشته امکان پذیر خواهد بود». علاوه بر این ها، بر پایه گزارشات انتشار یافته شورای عالی کار تغییری در ارقام بن کارگری نداده و مانند سال گذشته از قرار ماهیانه ۷۰۰۰ ریال برای کارگران متاهل و ۳۰۰۰ ریال برای کارگران مجرد اجرا خواهد شد.

تصمیم ضد کارگری افزایش فقط ۲۲/۸ درصد به حداقل دستمزدها از سوی شورای عالی کار دور از انتظار نبود. حدود یک ماه قبل از این اعلام رسمی، محافل گوناگون حکومتی، بویژه سوولان اقتصادی رژیم بحث و جلسات طولانی را برای ارزیابی وضیعت موجود و چگونگی مقابله با جنبش کارگری و این خواست مبرم و جدی آن، یعنی افزایش دستمزدها منطبق بر نرخ واقعی تورم برگزار کرده بودند. بویژه شورای عالی کار طی اسفند ماه جلسات طولانی را بدون یک تصمیم نهایی برگزار کرد.

رژیم «ولایت فقیه» از یک سو تلاش می کرد، با مانورهای مختلف کارگران را فریب داده و با پیش کشیدن مسایل فرعی، خواست های مبرم و اساسی را تحت الشماع قرار داده و جو اعتراضی را تخفیف دهد، و از دیگر سو با اتلاف وقت و به اصطلاح کشن زمان فاصله زمانی لازم را از شرایط بحرانی به دست آورده و هر چه بیشتر از روزهای اوج جنبش اعتراضی کارگران، یعنی اعتصاب نفتگران پالایشگاه تهران فاصله بگیرد و به زعم خود در شرایط مساعد میزان افزایش دستمزد مورد نظر خود را برای سال جدید اعلام کند. به علاوه این نیز آشکار بود که رژیم تن به خواست واقعی کارگران در این زمینه نخواهد داد و سطح دستمزدها برای سال ۱۳۷۶ را با توجه به منافع سرمایه داران و کارفرمایان تعیین خواهد کرد که چنین نیز شد.

در این رابطه روزنامه اطلاعات در گزارشی از جلسه شورای عالی کار در اواسط اسفند ماه سال گذشته، نوشت: «...به منظور تعیین حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۷۶، شورای عالی کار با حضور وزرای اقتصاد، صنایع، کار و امور اجتماعی و کارفرمایان تشکیل جلسه داد». براساس گزارش این روزنامه، مرتضی محمد خان وزیر اقتصاد رژیم «ولایت فقیه» در جلسه فوق سخنران اصلی بود و از جمله خاطر نشان ساخته بود: «با توجه به سیاست های اتخاذ شده نرخ تورم در حال حاضر به ۲۰ درصد رسیده است که امید می رود با ادامه این سیاست ها سیر نزولی نرخ تورم ادامه یابد و بیش از گذشته کاهش یابد... با توجه به افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش هزینه های سربار تولید و افزایش سهم مزد و با تغییر نامناسب این عوامل نمی توان نرخ تورم را کاهش داد (!!!) ... رسیدن به مزد واقعی در کوتاه مدت امکان پذیر نیست...».

ادامه: منافع طبقه کارگر و عملکرد...

بن کارگری مجموعه کمکی است که علاوه بر میزان اصولی دستمزدها به کارگران تعلق می گیرد و خود نیز شمره مبارزات کارگری است. مخلوط کردن آن با مساله دستمزدها از شگردهای ضد کارگری رژیم «ولایت فقیه» است. بعلاوه وضیعت توزیع و درجه مرغوبیت اجناس خریداری شده بوسیله بن فوق ماده نامطلوب است.

نکته جالب اینجاست که بن کارگری در زمان مبین و مشخص بین کارگران توزیع نمی شود و برخی بن های کارگری متعلق به سال های ۷۳-۱۳۷۲ خورشیدی تا به حال اعلام نشده اند و حتی در بسیاری موارد کارفرمایان وجوه مربوط به بن های سال های ۷۳-۷۲ را پرداخت نکرده اند. ذکر دو نمونه گویا، واقعیت توزیع و بطور کلی بن کارگری را نشان می دهد روزنامه کیهان به تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۷۵ خبر فوق را منتشر کرد: «روابط عمومی وزارت کار اعلام داشت که بن شماره ۱۴ و ۲۴ افراد متاهل مربوط به سال ۱۳۷۳ (توجه شود، سال ۱۳۷۳) جهت دریافت ۲ کیلوگرم گوشت و بن شماره ۸۱ و ۸۳ مستمری بگیران برای دریافت ۲ کیلوگرم گوشت و ۳ کیلو گرم مرغ اختصاص دارد...».

همین روزنامه، حدود ۲ ماه بعد، در تاریخ ۱۹ فروردین ماه سال ۱۳۷۶ از قول وزارت کار و امور اجتماعی نوشت: «کارفرمایان کارگاه های مشمول قانون کار که تا کنون موفق به واریز وجه بن ۶ ماهه اول سال ۱۳۷۳ نشده اند، تا پایان فروردین ماه مهلت دارند نسبت به واریز وجه بن اقدام کنند. مهلت مذکور از سوی وزارت کار به هیچ وجه تمدید نخواهد شد». با چنین وضع اسف باری که بن کارگری دارد، آیا سخنان وزیر اقتصاد مضحک و وقیحانه نیست؟! همچنان که اشاره رفت بن کارگری هیچ کمکی بر حفظ قدرت خرید کارگران نخواهد کرد و تازه بر پایه تصمیم شورای عالی کار میزان ۷۰۰۰ ریال برای کارگران متاهل و ۳۰۰۰ ریال کارگران مجرد در ماه بعنوان مبلغ رسمی بن کارگری، چگونه می تواند کمک واقعی به کارگران و خانواده های کارگری باشد. آن هم با افزایش حداقل حقوقی به میزان ۲۲/۸ درصد!!!

در کنار مساله مبرم سطح دستمزدها، باید بسیار فشرده و گذرا نگاهی به جدول ضریب مالیات بر حقوق کارگران در سال جاری افکند.

جدول ضریب مالیات بر حقوق نیز بر پایه منافع تجار و بازاریان و بطور کلی سرمایه داران و سخت به زیان کارگران و مجموعه حقوق بگیران تنظیم شده است و به روشنی ماهیت غیر عادلانه و ضد دموکراتیک سیستم مالیاتی رژیم «ولایت فقیه» را نشان می دهد.

در اواخر سال گذشته، به دنبال گسترش اعتراضات کارگری، رژیم در زمینه اخذ مالیات از کارگران و تعیین سقف معافیت مالیاتی آنها دست به چندین مانور زد. اما اینگونه مانورها، از آنجا که با خواست جدی کارگران فاصله بسیار داشت، نمی توانست مورد پذیرش کارگران قرار گرفته و مشکلی را حل کند. در سال جدید - سال جاری - برای تدوین و تنظیم جدول ضریب مالیات بر حقوق کارگران و حقوق بگیران در میان محافل حکومتی اختلاف آراء و تشدد وجود داشت و این امر ناشی از هراس رژیم از جنبش اعتراضی گسترده طبقه کارگر می باشد و اینکه چگونه آن را می توان مهار و متوقف کرد!

نخست در ۶ فروردین ماه سال جاری، مطبوعات مجاز به نقل از روابط عمومی وزارت امور اقتصاد و دارایی «جدول ضریب مالیات بر حقوق» را منتشر کردند، این جدول از حقوق ۲۸۰،۰۰۰ ریال در ماه آغاز و به ۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال ختم می شد. برای حقوق ۲۸۰،۰۰۰ ریال معافیت مالیاتی منظور شده بود. برای دستمزدهایی در سطح ۴۰۰،۰۰۰، ۱۰۰،۰۰۰ و ۹۰۰،۰۰۰ ریال به ترتیب ۱۳،۵ درصد، ۱۸،۵۷ درصد و ۲۶،۵۳ درصد ضریب مالیات قید شده بود. به عبارت دیگر، مثلا اگر کارگری حقوق ماهیانه با احتساب اضافه کاری، پاداش و... معادل ۴۰۰،۰۰۰ ریال داشته باشد، می باید ۱۲۴۵۰ ریال مالیات پرداخت می کرد. پس از گذشت مدت کوتاهی، رسانه های همگانی جمهوری اسلامی جدول دیگری را از طرف وزارت اقتصاد انتشار دادند و افزودند، جدول پیشین از سوی مراکز غیر رسمی بوده است!!! روزنامه کیهان در تاریخ ۲۰ فروردین ماه سال جاری با انتشار «جدول ضریب مالیات بر حقوق» از قول داریوش ایرانبندی مسانوی درآمدهای مالیاتی وزارت اقتصاد نوشت: «کارمندان و کارگران موضوع این

قانون تا سقف ۳۲۰ هزار ریال از کل مالیات حقوق معاف و تا سقف ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال از ۲۵ درصد بخشودگی برخوردار خواهند بود». وی با تاکید جدی یادآور شد: «جدول های قبلی منتشر شده از سوی مراجع غیر رسمی، نادرست است و جدول جدید به منزله بخشنامه رسمی وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی است». البته ذکر این نکته خالی از فایده نیست که جدول پیشین نیز بر خلاف سخنان معاون مالیاتی وزارت اقتصاد، بطور رسمی از سوی همان وزارتخانه ابلاغ و در مطبوعات درج گردیده بود و هیچ مرجع غیر رسمی آن را عنوان و اختراع نکرده بود. همانگونه که گفته شد، اختلاف سلیقه در محافل رسمی رژیم و شتاب زندگی در پس گرفتن جدول قبلی ضریب مالیات بر حقوق و دیگر مسایل، ریشه در هراس رژیم از واکنش اعتراضی حقوق بگیران بویژه مبارزه جویی طبقه کارگر دارد. جدول ضریب مالیات بر حقوق که رسمی و بخشنامه قلمداد شده، جدول زیرین است

حقوق ماهیانه	مبلغ مالیات	حقوق ماهیانه	مبلغ مالیات
۳۲۰۰۰۰	معاف	۱۰۰۰۰۰۰	۱۳۸۸۱۳
۳۳۰۰۰۰	۹۰۰	۱۲۰۰۰۰۰	۱۹۶۱۸۸
۳۴۰۰۰۰	۱۸۰۰	۱۴۰۰۰۰۰	۲۷۶۱۸۸
۳۵۰۰۰۰	۲۷۰۰	۱۶۰۰۰۰۰	۳۵۶۱۸۸
۴۰۰۰۰۰	۷۲۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	۴۳۶۱۸۸
۴۵۰۰۰۰	۱۳۸۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۵۱۶۱۸۸
۵۰۰۰۰۰	۲۰۵۵۰	۲۲۰۰۰۰۰	۵۹۶۱۸۸
۵۵۰۰۰۰	۲۸۴۳۸	۲۴۰۰۰۰۰	۶۷۶۱۸۸
۶۰۰۰۰۰	۳۷۸۱۳	۲۶۰۰۰۰۰	۷۶۶۰۲۱
۶۵۰۰۰۰	۴۷۱۸۸	۲۸۰۰۰۰۰	۸۵۶۰۲۱
۷۰۰۰۰۰	۶۰۰۶۳	۳۵۰۰۰۰۰	۱۱۷۱۰۲۱
۷۵۰۰۰۰	۷۳۱۸۸	۳۵۰۰۰۰۰	۱۱۷۱۰۲۱
۸۰۰۰۰۰	۸۶۳۱۳	۴۰۰۰۰۰۰	۱۳۹۶۰۲۱
۸۵۰۰۰۰	۹۹۴۳۸		
۹۰۰۰۰۰	۱۱۲۵۶۳		

منبع: وزارت امور اقتصاد و دارایی - کیهان ۲۰ فروردین ۱۳۷۶

همچنانکه از جدول فوق پیدا است، مبنای کسر مالیات یا به عبارتی ضریب مالیات بر حقوق کاملا نا عادلانه و به سود سرمایه داران تنظیم شده است. و این در حالی است که به اعتراف سران رژیم در سیستم مالیاتی جمهوری اسلامی سرمایه داران، صاحبان مشاغل، کارفرمایان و بازاریان کمترین درصد مالیات را پرداخت می کنند و بار اصلی درآمد مالیاتی جمهوری اسلامی بردوش حقوق بگیران بویژه کارگران و زحمتکشان سنگینی می کند و در این رابطه آمار ارائه شده در گردهمایی فرهنگ مالیاتی که به تاریخ ۱۵ آبان ماه سال گذشته در محل وزارت اقتصاد برگزار شد، نشانگر ژرفای ضد دموکراتیک و کارگر ستیز نظام مالیاتی رژیم «ولایت فقیه» است.

در گردهمایی مذکور بطور رسمی اعلام شده بود: «هم اکنون مالیات ۱۹/۵ درصد بودجه کشور را تامین می کند که سهم اصناف (بازاریان و تجار) در پرداخت مالیات کمتر از ۳ درصد است». به عبارت روشن درآمد مالیاتی دولت عمدتا از حقوق بگیران به دست می آید و کارگران و زحمتکشان بیش از ۱۹/۲ درصد بودجه کشور را از طریق مالیات می پردازند. تصمیمات شورای عالی کار در تعیین میزان افزایش دستمزدها در سال جاری و جدول ضریب مالیات بر حقوق کارگران و حقوق بگیران که از سوی وزارت اقتصاد اعلام شده، منافع زحمتکشان را در بر نمی گیرد و سرشت کارگرسیتیز رژیم ولایت فقیه را آشکار می سازد. افزایش دستمزدها به میزان ۲۲/۸ درصد هیچگونه تناسبی با نرخ واقعی تورم ندارد و باعث سقوط باز هم بیشتر سطح زندگی طبقه کارگر و خانواده های آنها خواهد شد. مبارزه کارگران و زحمتکشان مینهن ما برای دست

ادامه: ضرورت ادامه و تشدید مبارزه ...

بر تمامی امور زندگی مردم و حتی قوانین جاری مملکت از جمله قانون اساسی تشکیل می دهد و قوه قضائیه و ارگان های سرکوبگری مانند سپاه پاسداران، کمیته ها، گروه های مسلح و نیمه مسلح مانند «حزب الله» و «انصار حزب الله» در کنترل دستگاه مجریه کشور نیستند و مستقیماً زیر نظارت «ولی فقیه» فعالیت می کنند، چگونه می توان انتظار تحقق چنین خواست هایی را داشت.

برای نمونه در هشت سال گذشته بارها به فرمان رهبر و رهبرچه ها نیروهای فشار و سرکوب به بهانه های مختلف از جمله «مقابله با تهاجم فرهنگی غرب»، «اسلامی کردن دانشگاه ها» و ... به خیابان ها، دانشگاه ها، کتاب فروشی ها و زنان بورش برده با ارباب و سرکوب و با زیر پا گذاردن آشکار قوانین کشور خواست و سیاست های خود را به مردم میهن ما تحمیل کردند.

در سال های اخیر رژیم «ولایت فقیه» بارها از سوی مجامع مختلف به خاطر زیر پا گذاردن حقوق بشر مورد تکویش و سرزنش سازمان های حقوق بشر قرار گرفته است و گزارش های پی در پی نماینده های اعزامی سازمان ملل متحد به ایران همواره از زیر پا گذاردن حقوق بشر در ایران انتقاد کرده اند، مذالک سرکوب و خفقان همچنان ادامه یافته است. برخورد های اخیر جناح های مختلف حکومتی در مقابل محکومیت سران جمهوری اسلامی در دادگاه میکونوس به خاطر شرکت در ترور رهبران جنبش کرد در برلین به روشنی نشان داد که برای گروه ها و جناح های رژیم موضوع اساسی و مهم حفظ و حراست از این مجموعه «نظام» در مقابل «تهدید خارجی» است.

تجربه هجده سال گذشته نشان می دهد که علی رغم اختلاف های شدید میان جناح های گوناگون رژیم که گهگاه حدت خاصی پیدا کرده است، منافع گروهی روحانیت حاکم همواره به عنوان عامل متحد کننده در مقابل «تهدید خارجی» عمل کرده است و درست به همین علت است که علی رغم فریاد های «یا آزادی»، جناح های گوناگون هیچگاه حاضر نشده اند به ضرر این منافع گروهی در مقابل سرکوب خونین دیگر اندیشان موضع مخالف اتخاذ کنند. روال همیشگی کار شرکت در این سرکوب و یا در بهترین حالت سکوت در مقابل سرکوب و کشتار بوده است. تنها مورد استثنا به این قاعده کلی مخالفت و اعتراض آیت الله منتظری به کشتار جمعی زندانیان سیاسی بود که به عزل او از سمت «نایب ولی فقیه» منجر شد. تجربه مهم دیگری که می توان به آن اتکا کرد این است که حکومت های استبدادی و ضد مردمی تنها در برابر فشار توده ها است که مجبور به رعایت برخی ضوابط و قواعد می گردند. امروز نیز در ایران خواست اکثریت قاطع توده ها بر استقرار آزادی، مدنیت و حکومت قانون است ولی تصور اینکه چنین امری در شرایط ادامه حاکمیت «ولایت فقیه» از یک فرد ساخته است، رویایی بیش نیست.

تنها با فشار سازمان یافته و گسترده توده ها از پایین است که بالایی ها را می توان وادار به عقب نشینی و تن دادن به خواست های مردمی کرد. اگر درسی باید از شرکت عظیم توده ها در انتخابات ریاست جمهوری اخیر و شکست مفتضحانه نماینده حاکمیت و «ولی فقیه» گرفت آن است که توده ها توان عظیمی برای حاکم شدن بر سرنوشت خویش را دارا هستند و تنها می بایست این توان را به شکل سازمان یافته و پیگیری به حرکت آورد. با توجه به آنچه که گفته شد امروز ادامه و تشدید مبارزه در راه احقاق آزادی و رعایت حقوق بشر در ایران همچنان یکی از مهمترین عرصه های پیکار نیروهای ملی و مترقی است.

ادامه: روابط خارجی جمهوری اسلامی ...

شد: «همکاری ایران با کشورهای قدرتمند نظیر روسیه - چین - هند زمینه اتحادیه کشورهای آسیایی است». به دنبال این سخنان، مطبوعات مجاز، خبرگزاری جمهوری اسلامی و صدا و سیما رژیم، هیاهویی را درباره سیاست نوین که عبارت بود از «نگاه به شرق» و دوری از غرب به پا کردند. سفر عادی معاون نخست وزیر چین به ایران و امضاء پروتکل های همکاری مبالغه آمیز و بیش از حد مبین بزرگ جلوه داده شد.

اما واقعیت ها خلاف تبلیغات و ادعاهای بی پایه رژیم و گردانندگان آن است! حقیقت این است که به اصطلاح سیاست «نگاه به شرق» و «بی نیازی از غرب» و شمارهایی نظیر تشکیل محور آسیایی با حضور روسیه - چین و هند، بلوف زدن و مانور سیاسی رژیم درمانده «ولایت فقیه» است.

اولاً توانایی اقتصادی جمهوری اسلامی، آنچنان نازل و فرسوده است که رژیم حتی با توجه به امکانات بالفعل و بالقوه قادر نیست، منافع ملی را در عرصه جهانی تامین کند، ثانیاً نیروهایی که اهرم های حکومت را در دست دارند بورژوازی تجاری و بوروکرات های نوین بنا به سرشت انگلی و ضد ملی خود نه مایلند و نه می توانند روابط اقتصادی با خارج را برپایه منافع ملی و استقلال ملی هدایت کنند. عملکرد رژیم «ولایت فقیه» در عرصه رقابت های سیاسی - اقتصادی منطقه ای و جهانی باعث تضعیف نقش ایران گردیده و با شکست ها و ناکامی های بزرگ همراه بوده است. برای پی بردن به واقعیت امر و نشان دادن دروغ بودن ادعاهای واهی رژیم، توجه به پاره ای آمار که از سوی منابع جهانی و نیز برخی مراکز حکومتی انتشار یافته بسیار گویا است. روزنامه همشهری به تاریخ ۲۲ فروردین ماه سال جاری بخشی از گزارش وزارت اقتصاد آلمان را در مورد صادرات و واردات به ایران منتشر کرد. آمار فوق، نشان می دهد، رژیم تا چه اندازه و تا کجا با صدها رشته به امپریالیسم پیوند خورده و شمارهای حکومتی چقدر بی پشتوانه و دروغین هستند. روزنامه همشهری خبر داد: «... آلمان همچنان در راس صادرکنندگان کالا به ایران بوده است و ایتالیا در راس واردکنندگان کالاهای نفتی و غیر نفتی از ایران قرار دارد».

سازمان بازرگانی جهانی نیز در گزارشی از وضعیت بازرگانی ایران در سال ۱۹۹۶ اعلام داشت: «... ایران در سال ۱۹۹۶ میلادی با احتساب نفت ۱۸،۳ میلیارد دلار صادرات و حدود ۱۲ میلیارد دلار واردات داشته است... کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۵۰ درصد نیاز وارداتی ایران را تامین کرده اند و خریدار بیش از ۴۰ درصد صادرات غیر نفتی ایران بوده اند...».

آمار نشان می دهد به رغم بحران در روابط اعضا، اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی، این کشورها خریداران عمده نفت ایران و صادر کنندگان اصلی کالا به کشور هستند. بازارهای اروپایی در این زمینه یعنی تامین بخش اساسی درآمد ارزی رژیم «ولایت فقیه»، نقش کلیدی و انکار ناپذیر دارند و نوسان در آن به شدت به زیان رژیم است و همین امر، سبب دنباله روی و اتصال جدی جمهوری اسلامی و در واقع وابستگی اقتصادی به غرب است. کشورهای اتحادیه اروپا روزانه بیش از ۱ میلیون بشکه نفت صادراتی ایران را می خرند. و این بیشترین سهم در مبادلات نفتی جمهوری اسلامی با جهان محسوب می شود. بنا به گزارش نشریه نفتی «میس» در سپتامبر ۱۹۹۶، برداشت روزانه شرکت های نفتی اروپایی از پایانه های نفتی ایران در خلیج فارس در سال ۱۹۹۶، ۲۹ درصد افزایش داشته است. نفت ایران که توسط رژیم «ولایت فقیه» به تاراج داده می شود توسط نفتکش های شرکت ملی نفت ایران به صورت فروش تک محموله ای به اروپا سرازیر است. نفت خام ایران به سرعت و وقفه ناپذیر در دوبندر اروپا توسط اتحادیه اروپا ذخیره سازی می شود، روزانه صدها بشکه نفت در بندر لوهاور فرانسه و نیز بندر روتردام هلند ذخیره می شود. از سوی دیگر ایران بازار پرسود محصولات گوناگون اروپایی است. در مقابل این روابط ژرف و گسترش یابنده با اعضا، اتحادیه اروپا رژیم «ولایت فقیه» که دم از اتحادیه آسیایی می زند و شمار «نگاه به شرق» و محور «چین و هند» را مطرح می سازد، کمترین و بی اهمیت ترین روابط را در عرصه ماملات بازرگانی به ویژه نفت و گاز با کشورهای نظیر هند و چین دارد.

البته کشورهای مانند ژاپن، کره جنوبی و استرالیا به علت هم پیوندی با انحصارات امپریالیستی از بدل و بخشش جمهوری اسلامی استفاده می کنند، اما هند و چین در این زمینه شرایط دیگری دارند. میزان صدور نفت ایران به هند بسیار محدود است، شرکت های هندی روزانه کمتر از ۷۶ هزار بشکه نفت از ایران وارد می کنند. حجم ماملات تجاری ایران و هند در سطح پایین قرار دارد. مجموع ماملات بازرگانی جمهوری خلق چین با رژیم «ولایت فقیه» در سطح نازلی است. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۵، چین معادل ۲۲۶ میلیون دلار از ایران کالا وارد کرده است و در مقابل ۲۶۰ میلیون دلار به ایران صادرات داشته است. به این ترتیب روشن است که در عرصه رقابت های بازرگانی جهان، رژیم «ولایت فقیه» نه از اقتداری برخوردار است که مستقل عمل نماید و نه به لحاظ اقتصادی و مالی از چنان ثباتی که بتواند شرکای خود را به میل خود و برپایه اولویت های

رویدادهای جهان



طالبان در تنگنای نظامی

موفقیت نیروهای نظامی وابسته به ائتلاف نیروهای اپوزیسیون در تصاحب مواضع کلیدی تحت کنترل واحدهای نظامی «دولت طالبان» در هفته های اخیر ادامه یافت. در روزهای سوم و چهارم مرداد ماه رسانه های خبری جهان گزارش دادند که واحدهای نظامی تحت کنترل احمد شاه مسعود به ۲۰ کیلومتری کابل رسیده و فشار همه جانبه ای را برای بیرون راندن طالبان از پایتخت سازمان داده اند. نیروهای اپوزیسیون در روزهای پایانی تیرماه با حمله هوایی به پایتخت امکانات تهاجمی خود را به نمایش گذاردند. از جمله موفقیت های عمده نیروهای وابسته به اپوزیسیون تسخیر شهر چاریکار در ۶۵ کیلومتری کابل و نیز بدست گرفتن کنترل پایگاه هوایی بگرام در نزدیکی کابل است. نیروهای طالبان ۲ ماه پیش حملات سخت و پیگیری را برای تسخیر مزار شریف و منطقه شمال غربی افغانستان و بدست گیری کنترل کل افغانستان شروع کرده بودند، اکنون به حومه کابل عقب رانده شده اند این امر خود از عقب نشینی های جدی آنان حکایت دارد.

نشانه های جدی در دست است که تلفات بسیار سنگین طالبان در جریان تهاجم ناموفق برای تسخیر مزار شریف، که طی آن هزاران تن از افراد این باند شدیداً بنیادگرا و ارتجاعی کشته و یا اسیر شدند، سازماندهی طالبان را سخت آشفته کرده است. اکثر نیروهای گسیل شده در هفته های اخیر از طلبه های جوان و بی تجربه هستند که با عجله از اردوگاه های نظامی طالبان در پاکستان فراخوانده شده اند. گزارش ها از فرار نیروهای طالبان از جبهه های درگیری حکایت می کنند. رهبران طالبان از احتمال خیزش های مردمی در کابل در هراس هستند. در روزهای ۷ و ۸ مرداد ماه در حمله پلیس طالبان به محله های تاجیک نشین و هزاره ای نشین کابل بین ۳ تا ۴ هزار جوان افغانی دستگیر و زندانی شدند. گزارش های متعددی از شکنجه و فشار به این دستگیر شدگان منتشر شده است. سازمان های مدرسانی خارجی نیز به دلیل عدم ثبات کابل و احتمال سقوط آن شروع به تخلیه کارمندان و پرسنل خود کرده اند.

صاحب نظران مطلع بخشی از موفقیت های نیروهای ضد طالبان را مرهون کمک های کشورهای منطقه منجمله تاجیکستان و ایران به آنها می دانند. این کشورها پیروزی کامل طالبان

را مخالف منافع خود می دانند. رهبران جمهوری اسلامی مخالفت خود با طالبان را بر سر برداشت متفاوت خود از اسلام می دانند ولی عمدتاً ایران مخالف قراردادی است که بین طالبان و کمپانی نفتی آمریکایی یونوکال بر سر ایجاد خط لوله نفت و گاز از ترکمنستان به سواحل پاکستان امضاء شده است. ایجاد چنین خط لوله ای که قرار است از مناطق تحت کنترل طالبان عبور کند عملاً در رقابت با خط لوله ای است که جمهوری اسلامی در صد کشیدن آن از حوزه دریای خزر تا بندر عباس بوده است.

پایان خونریزی در ایرلند شمالی؟

اعلام آتش بس توسط ارتش جمهوری خواهان ایرلند IRA در روز ۲۹ تیرماه به طور غیر مترقبه ای امکان بوجود آمدن یک صلح دائمی در ایرلند شمالی و نهایتاً خروج نیروهای نظامی انگلیس از این منطقه و حتی احتمال ایجاد ایرلند یکپارچه را افزایش داده است. این دومین بار است که در سال های اخیر IRA آتش بس اعلام می کند. آتش بس قبلی پس از ۱۷ ماه به دلیل مواضع ارتجاعی دولت محافظه کار وقت و زد و بندهای پشت پرده آن با نیروهای دست راستی ایرلند شمالی در بهمن ماه ۱۳۷۴ با انفجار بمب با قدرتی در لندن توسط IRA به پایان رسید. دلایل عمده ایجاد وضعیت کنونی در رابطه با توقف خون ریزی در ایرلند شمالی را باید علاوه بر مبارزه مردم جمهوری خواه و نیروهای دموکراتیک علیه حضور امپریالیسم انگلیس در خاک ایرلند و نیز برخورد متفاوت دولت جدید حلقه حزب کارگر در انگلیس با مساله ایرلند و اظهار علاقه ایالات متحده به پایان یافتن درگیری ها در ایرلند شمالی دانست. وجود یک جامعه ایرلندی مهاجر که متشکل و بانفوذ و فعال می باشد فاکتور عمده ای در شکل گیری موضع دولت آمریکا بوده است.

بخش عمده ای از کمک مالی برای سازمان دهی مبارزه مسلحانه ارتش جمهوری خواهان ایرلند از طریق منابع مالی جمع آوری شده از طریق ایرلندی های آمریکا تامین می شود.

اولین شمر آتش بس جدید، شروع تماس های جدی بین رهبران حزب «شین فین»، بازوی سیاسی جنبش جمهوری خواهان ایرلند، و دولتمردان حزب کارگر انگلیس بوده است. همچنین قرار است که در صورت ادامه آتش بس و موافقت بر سر پروسه خلع سلاح نیروهای شبه نظامی در ایرلند شمالی، «شین فین» نیز به روند مذاکرات چند جانبه ای که با نظارت دولت های انگلیس و ایرلند جنوبی در جریان است بپیوندد.

جری آدامز، رهبر شین فین، خواستار ملاقات و گفتگوی مستقیم با تونی بلیر نخست وزیر انگلیس شده است. نیروهای راست افراطی در انگلیس و در ایرلند شمالی عملاً مخالف هرگونه مذاکره و تماسی با جنبش جمهوری خواهان ایرلند هستند و معتقدند که پیش شرط انجام چنین مذاکره ای خلع سلاح یکجانبه IRA می باشد. مارتین مک گینس از رهبران اصلی جنبش جمهوری خواهان ایرلند و عضو هیات نمایندگی «شین فین» در مذاکرات مخالفت خود را با پیش شرط گذاردن ابراز کرده و اظهار داشته است مذاکرات همه جانبه باید «تمامی موضوعاتی را که در قلب درگیری

هستند حل کند». او گفت در ادامه حتی مساله موافقتنامه ۱۹۲۰ که بر طبق آن شش استان ایرلند از بقیه خاک این جزیره جدا شده و تحت کنترل استعماری انگلیس قرار گرفتند نیز می تواند مورد بحث قرار گیرد. مارتین مک گینس گفت که مصالحه نهایی باید بر پایه اصول «برابری، عدالت و خاتمه دادن به تبعیض باشد».

نتانیاهو مسؤول بمب گذاری ها است؟!

انفجار دو بمب قوی در بازاری در منطقه غربی تل آویو در روز ۸ مرداد ماه که منجر به مرگ ۱۵ نفر از جمله دو بمب گذار انتحاری و زخمی شدن بیش از ۱۷۰ نفر دیگر گردید، بار دیگر روند صلح اعراب و اسرائیل را وارد بحران جدیدی کرد.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین و رییس خودگردان فلسطینی در یک مکالمه تلفنی با نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل به او تسلیمت گفت و آمادگی خود را برای مبارزه مشترک با تروریسم اعلام کرد. عرفات اظهار داشت: «من این اقدامات تروریستی را کاملاً محکوم می کنم زیرا علیه پروسه صلح است، علیه فلسطینی ها است و علیه اسرائیلی ها است».

در پی این حادثه دولت اسرائیل تصمیم به تعلیق هرگونه مذاکره ای در چارچوب پروسه صلح با فلسطینی ها گرفت این تصمیم به معنای شکست اقداماتی بود که در هفته های اخیر برای از سرگیری پروسه صلح که در ۴ ماهه اخیر به خاطر نقض توافق های حاصله در چارچوب قرارداد صلح اسلو از طرف اسرائیل متوقف شده بود، در جریان بود. اسرائیل بلافاصله پس از انفجارها دستور بستن مرزهای مناطق غزه و کرانه غربی با اسرائیل را صادر کرد و انتقال مالیات هایی را که به مقامات فلسطینی بدهکار هستند متوقف نمود. این اقدامات عملاً دولت خودگردان را زیر فشار اقتصادی گذارد و به طور جمعی مردم فلسطینی را تنبیه می کند. نتانیاهو تهدید کرده است در صورتی که نیروهای پلیس دولت خودگردان طراحان بمب گذاری و رهبران جنبش حماس و جهاد اسلامی را دستگیر نکنند، نیروهای نظامی و امنیتی اسرائیلی حق خود می دانند که وارد شهرهای فلسطینی شده و راساً به دستگیری آنها اقدام نمایند. مقامات رسمی فلسطینی گفتند که نیروهای نظامی بر روی نیروهای اسرائیلی که به درون قلمرو آنها بروند آتش خواهند گشود. وزیر اطلاعات فلسطین گفت: «من مستقماً که نتانیاهو وضعیت را بیشتر و بیشتر به ورطه نابودی می کشاند. ما می خواهیم صلح را برای این نسل بی اوریم ولی اشخاصی در بالاترین سطوح دولت اسرائیل هستند که صلح نمی خواهند، و در دشمنی زندگی می کنند».

برخی شواهد به امکان دخالت سازمان های اطلاعاتی دولت صهیونیستی در این کشتار اشاره دارند. روزنامه تایمز مالی چاپ لندن نیز نتانیاهو را به دلیل قصور او در محترم شمردن مفاد موافقتنامه اسلو که در سال ۱۹۹۳ امضاء گردیده بود، مسؤول بمب گذاری ها شناخت.

ادامه: چهاردهمین فستیوال

همبستگی و مبارزه ضد امپریالیستی شرکت کردند. روز سه شنبه به سنت همیشگی فستیوال های جوانان دادگاه محاکمه امپریالیسم برای بررسی جنایت علیه بشریت کار خود را آغاز کرد تا به اعمال ضد انسانی کشورهای امپریالیستی از تحریم غیر انسانی مردم کوبا، لیبی و عراق تا به راه انداختن جنگ و کشتار انسان ها، دخالت و تجاوز به حقوق خلق های جهان و ... رسیدگی کند. حضور رفیق فیدل کاسترو در مراسم آغاز فستیوال گرمی خاصی به فستیوال می داد و شور و شوقی وصف ناپذیر در هزاران جوانی که از سراسر گیتی گرد آمده بودند پدید آورد.

بخش بزرگی از شرکت کنندگان در فستیوال مهمان خانواده های کوبایی بودند و بدین ترتیب شرکت کنندگان در فستیوال از نزدیک امکان یافتند تا با زندگی خانواده های کوبایی و پیکار دشوار آنان برای حفظ استقلال خود در مقابل تجاوزهای دایمی امپریالیسم، خصوصاً امپریالیسم آمریکا، آشنا شوند.

این دومین باری است که در دهه های اخیر کوبا میزبان فستیوال جهانی جوانان می گردد. قبلاً در سال ۱۹۷۸، نیز هاوانا میزبان جوانان جهان و تبلور پرشکوه همبستگی خلق ها بود.

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (وفتو) در پیامی که برای شرکت کنندگان در ۱۴-مین فستیوال ارسال داشت، از جمله یادآور شد: «فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، به نمایندگی از سوی ۱۳۵ میلیون عضو از ۱۲۷ کشور جهان، درودهای گرم خود را به شما شرکت کنندگان در چهاردهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان تقدیم می دارد. ما صمیمانه امیدواریم که این فستیوال پرشکوه، با موفقیت های بزرگ همراه باشد و بتواند پیام اتحاد، همبستگی بین المللی جوانان جهان را در مبارزه شان برای بنا کردن آینده ای بهتر برای خودشان و برای همه بشریت در جهان طینن افکن کند...».

برگزاری فستیوال جوانان همچنین مصادف است با سالگرد انقلاب کوبا که در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ با حمله گروه کوچکی از انقلابیون زیر فرماندهی رفیق فیدل کاسترو به پادگان نظامی مونکادا آغاز گردید.

ادامه: روابط خارجی جمهوری اسلامی ادعاها و واقیعت ها

مربوط به منابع ملی تمیین کند و دیگر اینکه از نقطه نظر ماهیت ضد ملی خود در ارتباط با کشورهای امپریالیستی با فدا کردن منافع ملی به بازیچه انحصارات و دولت های امپریالیستی بدل شده است. یکی از موارد بسیار جالب، اینجا است که رژیم برای بهره برداری و توسعه میدان های نفت و گاز برخلاف تبلیغات خود، به شدت به کشورهای سرمایه داری پیشرفته متکی و وابسته است. چندی پیش کنفرانس انرژی در اصفهان برگزار شد. سران رژیم از حضور چند شرکت آمریکایی در این کنفرانس چنان به شوق آمدند که مطبوعات مجاز، تیترهای بزرگ خود را تحت عنوان «حضور شرکت های آمریکایی در کنفرانس اصفهان» اختصاص دادند. روزنامه اطلاعات تهران و اطلاعات بین المللی که ویژه خارج از کشور منتشر می شود، بخش هایی از گزارش خبرنگار نشریه آمریکایی وال استریت را از کنفرانس مزبور با خرسندی منعکس ساختند. از جمله: «شرکت های آمریکایی جهت برنامه آینده خود سعی دارند تماس با ایران را حفظ نموده و در صورت لغو تحریم بتوانند اقدام کنند. شرکت های اروپایی به رغم تنش ها به مبادلات تجاری خود با تهران ادامه می دهند. شرکت نفتی بریتانیا با جمهوری اسلامی بر سر حوزه نفتی بلال در آسیای خلیج فارس به توافق رسیده است. هزینه این پروژه ۱۴۰ میلیون دلار برآورد شده است...». از سوی دیگر، روزنامه های چاپ تهران گزارش داده اند که دو بانک آلمانی و فرانسوی وام هایی را به ایران پرداخت خواهند کرد.

به گزارش خبرگزاری ها، شرکت ملی نفت ایران برای دریافت ۱۶۰ میلیون دلار وام با یک بانک آلمانی به توافق رسید. بانک «ناسیونال دو پاریس» فرانسه نیز چندی پیش با چند بانک ایرانی بر سر پرداخت وام توافق کرد. این بانک فرانسوی اعلام داشت طی مدت ۱۸ ماه، معادل نیم میلیارد دلار وام به منظور خرید کالا از فرانسه در اختیار جمهوری اسلامی قرار می دهد.

یکی دیگر از نکات افشاگرانه و فوق العاده مهم در روابط خارجی رژیم ولایت فقیه، رابطه با کشور ترکیه این عامل گوش به فرمان ناتو و امپریالیسم آمریکا در منطقه است.

روابط با ترکیه علی رغم رفتار حقارت بار و توهین آمیز نظامیان و محافل افراطی ترکیه با رژیم ژرفش یافته و می یابد. در حالی که رهبران ترکیه، چه آن هایی که پیرامون نجم الدین اربکان حلقه زده اند و با تمایلات افراطی مذهبی و ارتجاعی آرزوی احیای امپراتوری «عثمانی» را می کشند و چشم طمع به خاک همسایگان دارند و چه آن هایی که نظامیان نماینده آن ها هستند و خواستار عظمت ترکیه با تمایلات شدید پان ترکیستی و نژاد پرستانه می باشند و هر دو گروه خطر جدی و واقعی برای صلح، آرامش و امنیت منطقه و نیز میهن ما ایران قلمداد می گردند و با رژیم رفتاری موهن و تحقیرآمیز دارند و از برکت حضور و بقاء این رژیم به زیان منافع ملی ایران، سندهای سرشار کسب کرده اند، روابط اقتصادی با ترکیه ژرفش می یابد. بولتن آمار، انستیتو آمار ترکیه ماه گذشته اعلام کرد: «در ماه های ژانویه تا سپتامبر ۱۹۹۶ ارزش مبادلات تجاری میان جمهوری اسلامی و ترکیه به ۷۵۱ میلیون و ۵۵۱ هزار دلار رسید... افزایش ارزش مبادلات تجاری میان ایران و ترکیه بطور عمده از افزایش صادرات ترکیه به ایران ناشی می شود. بخش اعظم صادرات ایران به ترکیه نفت خام است آن هم با قیمتی نامعلوم. رژیم «ولایت فقیه» آن چنان ضعیف و درمانده است که علی رغم رفتار ترکیه و تروریست نامیده شدن از سوی نظامیان ترکیه، مجبور به گسترش روابط ناعادلانه با این دولت است. چندی پیش سپهد نورحان تایان وزیر دفاع ترکیه در دیداری از اسرائیل رسماً اعلام کرد، جمهوری اسلامی تروریست است. آیا رژیمی که از اقتدار برخوردار است و شمار محور آسیایی با چین و هند را می دهد، اجازه چنین رفتار دیپلماتی حقارت باری را به دولتی دیگر آن هم، دولتی به شدت ورشکسته و غرق در بحران می دهد؟

موضعگیری هایی مانند بی نیازی از غرب و غیره که از سوی سران رژیم مطرح می شود بنا و پایه منطقی و عینی ندارد. این تبلیغات دروغین در عین حال که برای قریب مردم میهن ما به اجرا گذاشته می شود پرده ساتری برای روابط پنهانی و زدوبند های ضد ملی سرکردگان جمهوری اسلامی با امپریالیسم است. در دوران هیاهوی میکونوس، لاریجانی، دبیر شورای امنیت ملی و معاون کمیسیون خارجه مجلس رژیم، دیدار مخفیانه و سری با مقامات انگلستان انجام داد که بخشی از آن در گرماگرم رقابت های جناح های حکومتی افشا شد. این نه اولین و نه آخرین تماس از این نوع می باشد. سال های پیش، حجت الاسلام کریمی از چهره های اصلی مجمع روحانیون مبارز و نیروهای خط امام درست در اوج شمارها و تبلیغات ضد آمریکایی و غربی از سوی رژیم، تماس های مستقیم با مقامات آمریکایی از جمله ویلیام کیسی رئیس وقت سیا در پایتخت های اروپایی برقرار کرده بود.

واقیعت های روابط خارجی رژیم واپسگرایی «ولایت فقیه» نشان می دهد، سیاست به اصطلاح «نگاه به شرق» و شمارهایی چون اتحادیه آسیایی، دستاویز رژیم برای مانور سیاسی است و عاری از واقیعت جمهوری اسلامی با صدها رشته آشکار و پنهان وابسته به امپریالیسم در زمینه معاملات اقتصادی و بازرگانی است، شواهد نشان می دهد، در آینده این روابط وابستگی تشدید و ژرفش باز هم بیشتری خواهد یافت.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

12 August 1997

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:512

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک